



۲۰۱۸/۰۶/۲۴



همایون شاه عالمی

## یک شعر بسیار زیبای دری پارسی

از خوشحال خان خټک (رح):

لبت از آب — یوان آب برده  
رخت نور از رخ مهتاب برده  
ندانم در دوچشم او چه جادوست  
که از چشمان عاشق خواب برده  
به تاب زلف و پیچ جعد مشکین  
صبوری از دل بیتاب برده  
گر آن بت را چو محراب است ابرو  
منم چون سجده در محراب برده  
بعارض دل به چشمان دین برلب  
سلامت را همه اسباب برده  
نه تنها دل ز خوشحال خټک برد  
که زهد از دست شیخ و شتاب برده

